

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا
۱۸ می ۲۰۲۲



مختار دریا

بهار

که من در جمع عشاقان حریف صاف و یکرنگم
طرب افزای جمع یکدل و سرشار و بیرنگم
غزل مینا سبو آرید و شاهد چونکه دلتنگم
خمار جرعه ای مردافگن یک جام گلرنگم
غطائی پیکر رشک جهان آرای گلبرگم
که من بیهوده با گلچین به تیر خار در جنگم
نفس در سینه پنهان کرده شور شوق و آهنگم
یقینم شد که شرط راحتی دوری ست از رنگم
هوس بیهوده چوگان میزند در سینه تنگم
ریاب از بی سُرِی نالد که بی تال است سارنگم
ز صوت دلربا دانم که نا موزون و بی زنگم
به قید خود ستائیهای بی مفهوم در بندم
کجائید ای عزیزان من سر بشکسته از سنگم

بهار آمد از آن می ده که از دل برکنند زنگم
به باغ عیش و مستی بلبل مست و غزلخوانم
بهار آمد عزیزان دی فرو پاشید دورانش
ز عطر ناز نرگس بر تنم رند قبا پوشم
قبای شعله آغوش گرم پر شرارم من
چوشد زیب سر زلف نگار آندم یقینم شد
به بال عشق امید پریدن زاین قفس دارم
ز بس بیجا تپیدنهای دل در قید رنگ دهر
زهر پیرایش فانی خجالتهاست بر این تن
ز بریبت بس کشیدم ناز ناموزونی الحان
نوای شوق چون سر می کنم با تال درباری
کجا دستم رسد بر دامن عیشم ز غفلتها
بهار آمد که دریا میخروشد با لب پر خون

مختار دریا ۱۵ می ۲۰۲۲ میلون کانادا